

می‌برند. شهرهای دنیزلی، قیصری، ترابوزان و سامسون هم در همین رسته هستند. کسی که ده سال گذشته این شهرها را دیده باشد امروز آن‌ها را باز نمی‌شناسد: شهرهایی با بزرگراه‌های متعدد و آسمان‌خراش‌ها و بندرگاه‌های جدید.

در مجموع می‌توان گفت حزب عدالت و توسعه که از هشت سال پیش قدرت را به دست گرفته تا به امروز همواره بر مدار توسعه اقتصادی و اجتماعی ترکیه حرکت کرده و در این راه سعی داشته تا کمترین تنش‌ها و جدل‌های سیاسی را حداقل از ناحیه خودش به راه اندازد. این حزب و رهبرانش به نیکی دریافته‌اند که ترکیه از فقر و عقب‌ماندگی مفرط و تورم افسارگسیخته اقتصادی رنج می‌برد. از همین رو حزب اسلام‌گرایی عدالت و توسعه با گزینش تعامل اسلام و سکولاریسم، قدم در راه توسعه اقتصادی و بالا بردن رفاه اقتصادی و اجتماعی مردم ترک نهاده و تا آن‌جا پیش رفته که حتی موضوعات امنیتی و مهمی مانند حزب جدایی طلب پ.ک.ک را در اولویت دوم نهاده و آن را از صدر اخبار رسانه‌های گروهی ترکیه پایین آورده است. شاید هم به دلیل همین سیاست‌ها بود که برخی به این حزب لقب محافظه‌کار داده‌اند؛ چراکه از ورود مستقیم به تنش‌های سیاسی و عقیدتی با احزاب لاییک خودداری کرده و در عوض تمام نیرو و برنامه‌ریزی خود را صرف توسعه اقتصادی، مهار تورم و در نتیجه افزایش رفاه مردم ترکیه نموده است. سیاستی که این حزب در پیش گرفت، همچنان که اشاره شد نتایج قابل توجهی برای کشور تورم‌زده و عقب‌مانده ترکیه به همراه آورد. تورم در ترکیه تک‌رقمی شد، بیکاری کاهش یافت، آثار رشد قابل قبول و پایدار اقتصادی نمایان شد و مردم نیز آثار پیشرفت اقتصادی را در زندگی روزمره خود به وضوح احساس کردند. در نتیجه این اقدامات، حزب عدالت و توسعه جایگاه به مراتب قدرتمندتری نیز در افکار عمومی ترکیه پیدا کرده است؛ به گونه‌ای که هم اکنون نه احزاب لاییک و نه ارتش ترکیه جرأت مخالفت آشکار با اردوغان و حزبش را ندارند و کار به جایی رسیده که اردوغان قانون اساسی ترکیه را که یادگار دوران حکومت نظامیان لاییک بر این کشور است به چالش می‌کشد و قصد اصلاح آن را دارد. ترکیه در دوران حکومت‌داری عدالت و توسعه به جایی رسیده که حقارت ۵۰ ساله ناشی از پشت در ماندن برای پذیرش در اتحادیه اروپا را به دست فراموشی سپرده و اکنون این کشور خود را در جایگاهی در معادلات منطقه‌ای می‌بیند که دیگر مانند دوران حکومت نظامیان و لاییک‌ها در حسرت پذیرش در خانواده اروپاییان نیست؛ بلکه سعی کرده تا در عمل ترکیه را از طریق بالا بردن استانداردهای زندگی به بخشی از اروپای پیشرفته تبدیل کند.

حوزه خارجی: ترکیه و نقش آفرینی مستقل منطقه‌ای

با در نظر داشتن این که سیاست خارجی هر کشور از خط‌مشی‌ها و رویکردهای داخلی آن تأثیر می‌پذیرد، شاید بتوان بایسته‌های اصلی سیاست خارجی ترکیه را معنادار کرد. دقت در اصولی که رجب طیب اردوغان برای تحقق اهداف سیاست خارجی ترکیه از زمان به قدرت رسیدن حزب عدالت و توسعه مطرح کرده و از سال ۲۰۰۴ به منصفه ظهور رسانده، خود مهر تأییدی بر این نکته است:

۱. در رأس این اصول، ایجاد تعادل میان امنیت و آزادی است. براساس این اصل نمی‌توان به بهانه امنیت، آزادی را محدود ساخت و برعکس.
۲. ایجاد روابط با توجه به سیاست مسأله در حد صفر با همسایگان، اصل دوم سیاست خارجی جدید ترکیه را تشکیل می‌دهد. این سیاست از سوی داود اوغلو وزیر خارجه ترکیه و در کتاب او به نام «اعماق استراتژی» مطرح گردیده است. گسترش روابط با عراق و به ویژه شمال این کشور در همین راستا قابل مطالعه بوده و بر همین اساس ترکیه با عراق قرارداد همکاری استراتژیک به

امضا رسانده است. همچنین توافق ترکیه با ارمنستان، براساس همین اصول جدید صورت گرفته و این مسأله حتی بر رفتار داخلی ترکیه در زمینه حقوق اقلیت مسیحی نیز تأثیرگذار بوده است. چرا که نخستین مراسم عبادی آرامنه ترکیه پس از ۱۰۰ سال در کلیسای جزیره آکدامار واقع در حاشیه دریای وان برگزار شد؛ در حالی که به گفته آرام اتشان اسقف اعظم و رهبر مذهب اقلیت آرامنه ترکیه، ۱۰ سال پیش تصور برپایی چنین مراسمی در آکدامار غیر ممکن به نظر می‌رسید.

۳. دیپلماسی پیشگیرانه و دیپلماسی فعال سومین اصل سیاست خارجی جدید ترکیه را نشان می‌دهد. نوع نگاه ترکیه به پرونده هسته‌ای ایران و توافق سه جانبه ایران - ترکیه - برزیل برای صدور بیانیه تهران در معاوضه سوخت را می‌توان در همین چهارچوب مورد مطالعه قرار داد. همچنین گسترش روابط با کشورهای آفریقایی و آسیایی و نگاه به شرق حکایت از دیپلماسی فعال این کشور دارد.

۴. محور چهارم، توسعه روابط هماهنگ با قدرت‌های جهانی است. ترکیه روابط خود را با قدرت‌های بزرگ از جمله روسیه، چین، آلمان، انگلستان و ایالات متحده گسترش داده است. اکنون با سقوط کمونیسم، امنیت این کشور از سوی روسیه تهدید نمی‌شود و روسیه یکی از مهم‌ترین شرکای تجاری ترکیه است. روسیه و ترکیه مجموعه‌ای از قراردادهای به ارزش ۵۰ میلیارد دلار را به امضا رسانده‌اند. همچنین قرارداد هسته‌ای با روسیه مهم به نظر می‌رسد. ۵. اصل پنجم، حضور فعال و هرچه بیش‌تر ترکیه در نهادهای بین‌المللی است. حضور فعال ترکیه در شورای امنیت سازمان ملل متحد، گروه ۲۰، تحرک در پیمان ناتو، حضور فعال در سازمان کنفرانس اسلامی، اکو، دی ۸ و سازمان دریای سیاه نمایان‌گر این فعالیت است. حتی برای نخستین بار دو مقام ترکیه‌ای یعنی احمد داود اوغلو و مولود چاووش اوغلو، به ترتیب در رأس کمیته وزیران شورای اروپا و رئیس مجلس نمایندگان شورای اروپا قرار گرفتند. ترکیه در این نهادها، شکل‌دهی فرهنگ هم‌زیستی مسالمت‌آمیز توأم با خوشبینی، مقابله با افراط‌گرایی و طرد نژادپرستی را در دستور کار خود قرار داده است.

۶. اصل ششم ارایه تصویری از ترکیه است که بر اعتماد به نفس و قدرت نرم این کشور تکیه دارد. ادغام در بازار جهانی، عضویت در باشگاه کشورهای پیشرفته و به‌ویژه گروه ۲۰ و سایر نهادهای معتبر بین‌المللی به این کشور اعتماد به نفس می‌دهد. همچنین استفاده از شبکه‌های ماهواره‌ای - اینترنتی ترکیه، به‌ویژه در کشورهای عربی و فارسی زبان نشان‌دهنده توجه ترکیه به جایگاه قدرت نرم در سیاست خارجی است.

۷. افزایش استقلال عمل در سیاست خارجی اصلی که از قبل هم وجود داشته ولی امروزه نسبت به قبل پررنگ‌تر شده است. مانند رد لایحه عبور سربازان آمریکایی از خاک ترکیه در حمله به عراق، امتناع از قرار دادن پایگاه‌های نظامی جهت این حمله و عدم همراهی ترکیه در این جنگ. در حالی که ترکیه در جنگ اول خلیج فارس با آمریکا و دیگر کشورهای هم‌پیمان آن، کاملاً همراهی نمود. نمونه دیگر حمایت این کشور از برنامه هسته‌ای ایران و عدم همراهی با غرب در تحریم‌های اعمال شده علیه ایران می‌باشد. البته باید گفت که ترکیه ارتباطات خود با آمریکا و غرب را حفظ خواهد کرد که آخرین نمود آن موافقت با استقرار سپر دفاع موشکی ناتو در خاک این کشور است ولی استقلال خود را بیشتر نموده است.

۸. افزایش نگاه به شرق در سیاست خارجی نیز جزو اصول سیاست خارجی ترکیه شده است. در این ارتباط می‌توان گفت ترکیه در گذشته و زمانی که قدرت در دست لاییک‌ها بود، تماماً به غرب نگاه می‌کرد و سعی داشت روابط خود با غرب را تا آن‌جا که امکان داشت افزایش دهد. در این دوران ترکیه به شرق و کشورهای آسیایی توجهی نداشت. اما با به قدرت رسیدن حزب